



# مجموعه مقالات

چهارمین کنگره  
بین المللی

علوم انسانی  
اسلامی

کمیسیون تخصصی  
تعلیم و تربیت اسلامی

۱



## مقدمه

چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با عنایات خدای بزرگ و تحت توجهات حضرت ولی عصر (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) دوم آبان‌ماه ۱۳۹۶ در مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان صداوسیما با حضور پرشکوه حوزویان و دانشگاهیان در قالب ده کمیسیون تخصصی با ارائه ۸۴ مقاله برگزار شد. مراسم اختتامیه کنگره نیز ۴ آبان‌ماه در قم و همزمان با اعطای سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی برگزار گردید. سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی به سه تن از صاحب‌نظران برجسته در این زمینه اعطاء شد. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا در رشته فلسفه علوم اجتماعی اسلامی، دکتر حسن سبحانی در رشته اقتصاد اسلامی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در رشته فلسفه علوم انسانی اسلامی برگزیدگان این دوره از جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی بودند.

کنگره چهارم مانند سه کنگره‌ی قبلی، علاوه بر تولید علم و رونق‌گفتمان علوم انسانی اسلامی و ایجاد یک اتمسفر علمی جدید در مراکز علمی کشور و وظیفه خود را در هموارسازی و جهت‌بخشی صحیح به مسیر تحقیق و پژوهش در عرصه علوم انسانی اسلامی جست‌وجو می‌کرد. تحلیل محتوای مقالات سه کنگره قبلی نشان می‌دهد که سهم اساتید حوزه‌ها و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و سهم مقالات نظریه‌پردازانه در کل کار رو به افزایش بوده و ارتباط کنگره با جامعه علمی نهادینه شده است؛ به نحوی که به تدریج به تبلیغات متعارف، کمتر وابسته است.

اما در هر صورت باید باور کنیم که علوم انسانی متعارف از محصولات پر قدرت دوران جدید حیات غرب است که از سوی انسان عالم غربی جدید برای تبیین واقعیت انسان عامل غربی جدید تولید شده است. بنابراین جامعه‌شناسی و اقتصاد و سایر علوم انسانی گزارشی است از تحقق فلسفه زندگی غربی در عینیت و واقعیت زندگی انسان غربی. در حقیقت دستاوردهای علوم انسانی، تداوم اجتماعی فلسفه زندگی غربی را نمایان ساخته است.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و بر یک نکته مهم تأکید می‌کنم که هم‌اکنون علوم انسانی متعارف به‌مثابه فلسفه، دین و ایدئولوژی ایفای نقش می‌کند. راه‌حل اساسی این مشکل تولید علوم انسانی

مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم است اما با این همه درس‌های فراوانی برای آموختن ما از تجربه غرب وجود دارد. این درس‌ها زمانی برای ما مفیدند که ما نخواهیم همیشه شاگرد بمانیم؛ اما ما چگونه می‌توانیم برای رهیدن از محدودیت‌های علوم انسانی و استفاده از قابلیت‌های آن نقش ایفا کنیم؟

نظریات علوم انسانی بر مفروضاتی استوار است که می‌توانند از سوی مکاتب فلسفی مختلف توضیحات متفاوت پیدا کنند. فلسفه اسلامی به‌ویژه حکمت صدرایی به دلیل آنکه محتوای آن بر مدار صیوریت انسانی تدوین شده باید برای تحقق این منظور فراوری شود.

از سوی دیگر از آن‌رو که موضوع علوم انسانی تبیین واقعیت کنش انسانی است، فرضیات آن با صورت‌بندی دنیای درونی کنشگر شکل می‌گیرد. با این رویکرد علاوه بر فلسفه اسلامی علم اخلاق اسلامی از ظرفیت بالایی برای صورت‌بندی دنیای ذهنی کنشگر و همین‌طور برای نظریه‌پردازی در این حوزه علمی برخوردار است.

علوم انسانی مبتنی بر مبانی قرآنی و دانش‌های فلسفی و کلامی می‌توانند بستر و زمینه‌ی مناسبی را برای نظریه‌پردازی فقهی فراهم آورند بعلاوه علوم انسانی عرف و متعارف واقعیت زندگی اجتماعی را در اختیار تفقه واقع‌نگر و مسنول در برابر جامعه قرار خواهد داد. ضمن آنکه آثار و پیامدهای تحقق عملی احکام فقهی با روش‌های علوم انسانی و اجتماعی نمایان خواهند شد.

آثار و نتایجی که ممکن است در صورت اطلاع از آن در ماهیت نظریات فقهی اثرگذار باشند. البته از آن‌سو که بخش عظیمی از نظام اعتباریات فرد و جامعه اسلامی را فقه و اخلاق اسلامی می‌سازند، مدل‌سازی کنش انسانی در جوامع اسلامی با مفروض انگاری آموزه‌های اخلاقی و فقهی برای آنان که فقط به دنبال علم بومی هستند نیز باید مورد توجه باشد. اما و در هر صورت تولید علوم انسانی مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم و در ترابط با دانش‌های متعارف حوزوی راهی است که در این دوره حیات اسلام و انسان و با استفاده از فرصت بی‌نظیر نظام مقدس جمهوری اسلامی و برای کمک به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اینک و هم‌زمان با انتشار چهارمین جلد از کتاب نظریه، مجموعه مقالات کنگره چهارم که حاوی ۱۱۶ مقاله تأییدشده از بین ۳۷۲ مقاله دریافتی است، در قالب ۱۰ جلد با محوریت ده کمیسیون تخصصی به شرح ذیل در اختیار اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی قرار گرفته است:

(۱) تعلیم و تربیت اسلامی: ۵ مقاله با مدیریت دکتر محسن فرمehینی فراهانی و با محوریت دانشگاه شاهد؛

(۲) فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی: ۶ مقاله با مدیریت دکتر عطاءالله رفیعی‌آثانی



- و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا؛
- ۳) مدیریت اسلامی: ۸ مقاله با مدیریت دکتر غلامرضا گودرزی و با محوریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛
- ۴) علوم سیاسی اسلامی: ۱۰ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد نوروزی و با محوریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۵) اقتصاد اسلامی: ۱۲ مقاله با مدیریت دکتر محمدعلی متفکرآزاد و با محوریت دانشگاه تبریز؛
- ۶) تمدن نوین اسلامی: ۱۱ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر مهدی ابوطالبی و با محوریت دانشگاه شاهد و همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۷) روان‌شناسی اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت دکتر مهرداد کلانتری و با محوریت دانشگاه اصفهان و همکاری انجمن روان‌شناسی اسلامی؛
- ۸) هنر و معماری اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت مهندس عبدالحمید نقره‌کار و با محوریت دانشگاه علم و صنعت؛
- ۹) فقه و حقوق اسلامی: ۱۸ مقاله با مدیریت دکتر محمود حکمت‌نیا و با محوریت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- ۱۰) ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی: ۱۶ مقاله با مدیریت دکتر سید سعید زاهد زاهدانی و با محوریت دانشگاه شیراز.
- البته در سال‌های گذشته مجموعه مقالات کنگره اول در قالب ۵ جلد (۹۰ مقاله)، مجموعه مقالات کنگره دوم در قالب ۷ جلد (۱۱۱ مقاله) و مجموعه مقالات کنگره سوم در قالب ۶ جلد (۹۷ مقاله) منتشر شده بود.
- ... به نظر می‌رسد سنت الهی در این‌گونه امور بر آن است که استمرار، نتیجه‌بخش خواهد بود و ما به شرط تداوم توفیق الهی در پیگیری این راه تردید نخواهیم کرد و بر همین اساس همچنان چشم در راه مدد همه اساتید و پژوهشگران خواهیم بود.

بمنه و کرمه  
عظاالله رفیعی آتانی  
دبیر علمی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

## اسامی هیئت داوران

کمیسیون «تعلیم و تربیت اسلامی»  
رئیس کمیسیون: دکتر محسن فرمهینی فراهانی

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- طیبہ توسلی: استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- نیره حاجی علیان: دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران
- دکتر سید علی حسینی زاده: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- مجید دارابی: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تهران
- محمد داودی: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- محسن دیبایی صابر: استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- اکبر رهنما: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سید مهدی سجادی: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- علی رضا صادق زاده قمصری: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- محسن فرمهینی فراهانی: دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- علی نقی فقیهی: دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- مصطفی مرادی: دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
- حسن ملکی: استاد مدیریت و برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی
- محمد حسن میرزامحمدی: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سولماز نورآبادی: استادیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- نجمه وکیلی: استادیار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد واحد رودهن

# نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی

محسن فرمهینی فراهانی

دانشیار دانشگاه شاهد، ایران، تهران

farmahinifar@yahoo.com

## چکیده

سواد فرهنگی ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی یک کشور دارد و از آنجا که کشور ما به ویژه پس از ظهور اسلام بافت مذهبی داشته و با اسلام آمیخته است، نمی‌توان میان آنها جدایی قائل شد. سواد فرهنگی حیطه گسترده‌ای دارد و همه دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از دین و علم گرفته تا ورزش در بر می‌گیرد. هدف مقاله حاضر تبیین مفهوم سواد فرهنگی و اهمیت و نقش آن در تحولات علوم انسانی اسلامی است. در این راستا این پرسش‌ها مطرح است: مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟ ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی‌اش کدام‌اند؟ نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟ چه راهکارهایی می‌توان برای تحقق سواد فرهنگی به ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور شد؟ تحقیق پیش‌رو از نوع کیفی - تحلیلی است و محقق با بررسی و مطالعه منابع و اسناد مکتوب مرتبط، با استفاده از ابزار فیش‌برداری در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق بر می‌آید. بر اساس یافته‌های مهم این، سواد فرهنگی آن چیزی است که همه تمام اقشار جامعه به ویژه دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند و حفاظت از فرهنگ ایرانی -



اسلامی نیازمند سواد فرهنگی است. سواد فرهنگی، بحثی میان‌رشته‌ای و دارای قالب پیوستاری است، نه تک‌مقوله‌ای. این بحث ابعاد متعدد دارد که بررسی آن، هم برای دستیابی آسان‌تر به اهداف تحول علوم انسانی اسلامی و هم برای درک تحلیلی و انتقادی مسائل اجتماعی و فرهنگی لازم و مؤثر است. مؤلفه‌های سواد فرهنگی به عمده‌ترین ابعاد، جنبه‌ها، ویژگی‌ها و همچنین بخش‌های کلی مفهوم سواد فرهنگی اطلاق می‌شود که عبارت‌اند از: تاریخ ملی، تاریخ جهان، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، رسانه‌ها و مطبوعات، ضرب‌المثل‌ها و فناوری. منظور از عناصر سواد فرهنگی، مصادیق و زیرمؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی است که به بهترین نحو ممکن، کیفیت و وضعیت سواد فرهنگی را در وجوه گوناگون نمایان می‌سازد. به دلیل ماهیت و عمومیت سوادآموزی فرهنگی، باید علاوه بر نگاه تخصصی به آن، این موضوع به «حوزه فرهنگ عمومی» نیز سوق داده شود. به همین دلیل است که سواد فرهنگی را می‌توان پیش‌نیازی برای تحول در علوم انسانی اسلامی دانست.

**کلیدواژگان:** سواد فرهنگی، تحول، علوم انسانی، علوم اسلامی.

#### مقدمه

نکته مشترک در تعاریف متنوع فرهنگ آن است که در هر صورت فرهنگ از طریق نشانه‌ها و علائمی که تحت لوای آداب و رسوم و یا هنر و ادب یک جامعه شکل یافته‌اند، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در بیشتر تعاریف، به فرهنگ به عنوان سرمایه و دارایی‌های اجتماعی توجه شده است. فرهنگ عمومی مجموعه آداب، رفتار، باورها، ارزش‌ها و معیارهای موجود در دل یک جامعه است که مناسبات افراد با یکدیگر را نظام و معنا می‌بخشد، هویت افراد جامعه را شکل می‌دهد، و ایشان را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد. در ضمن همین ضوابط و ارزش‌ها و باورهای فرهنگ عمومی است که میراث مشترک فرهنگی به شمار می‌آید و افراد یک جامعه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و با دنیای خارج از خود متفاوت جلوه می‌دهد (افضل طوسی و نوذری، ۱۳۸۹).

تردیدی نیست که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد مفید و کافی برخوردار باشند. ارتباط این دو مقوله مهم یعنی فرهنگ و سواد، مفهوم جدیدی

است با عنوان سواد فرهنگی. طی دهه‌های اخیر بیش از ۳۴ نوع مفهوم سوادى مختلف مورد نیاز کشف، بررسی و تحلیل شده است که سواد علمى به معنای مصطلح در نظام آموزشی ما، تنها یکی از آنها به شمار می‌آید! از جمله سوادهاى سودمند و مدرن می‌توان به سواد فرهنگی، سواد اجتماعى، سواد سیاسى، سواد اقتصادى، سواد رسانه‌ای، سواد اطلاعاتى، سواد اطلاع‌رسانى، سواد کامپیوترى، سواد اینترنتى، سواد محیط کار، سواد خانوادگى، سواد فناوری، سواد قانونى، سواد شبکه‌ای، سواد ارتباطى، سواد ابزارى، سواد منبع‌گزینى، سواد معنوى، سواد بهداشتى، سواد هنرى، سواد سمعى و بصرى، سواد نقادى، سواد نظامى و سواد محیطى (اکولوژیک) اشاره کرد.

بیانیه رسمی یونسکو در راستای «دهه سواد سازمان ملل متحد» (۲۰۰۳ - ۲۰۱۳) برداشت جدیدی از سواد را مطرح کرد. در این بیانیه، سواد چندگانه و چند بعدی مورد توجه قرار گرفت (شیفر، ۲۰۰۳). از دیدگاه یونسکو، سواد تنها به معنای خواندن و نوشتن نیست، بلکه به معنای قابلیت‌ها و توانمندی‌های متعددی است که در قلب آن، قابلیت‌های ارتباطی قرار دارد. شیفر، انواع سواد یا قابلیت‌های مرتبط را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

۱. سواد عملیاتی، به معنای توانایی خواندن و نوشتن در زمینه‌های گوناگون؛
۲. سواد فرهنگی، به معنای فهم مسائل با توجه به زمینه‌های آن؛
۳. سواد انتقادی، به معنای توانایی مشارکت در امور اجتماعى و نیز تلاش برای اصلاح و بهبود آن (دانای طوسی و کیامنش، ۱۳۸۸).

عبارت «سواد فرهنگی» را هرش<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) در کتاب پرفروش خود، سواد فرهنگی: آنچه که هر امریکایی باید بداند متداول ساخت. این کتاب را مقامات بالای دولت به عنوان کتابی مهم در آینده آموزش و پرورش امریکا تحسین کردند و منتقدان آن را «پیگیری آموزشی بی‌اهمیت» دانستند. هرش پس از آن، لغتنامه سواد فرهنگی (۱۹۸۸) را منتشر کرد که در آن فهرستی از پنج هزار دانستنی را در موضوعات مختلف ارائه می‌داد.

دانستن و بالا بردن آگاهی‌های فرهنگی و ارزش‌های ملی و مذهبی در جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در این مقوله سواد فرهنگی به عنوان رکن مهم آموزش این ارزش‌ها درمی‌آید. طبق آموزش سواد فرهنگی یادگیری خواندن و یادگیری هر چیز دیگری، بسیار وابسته به پس‌زمینه‌های فرهنگی دانش‌آموز است. توین‌بی، کومنیوس و هرش هر سه بر دانش هسته‌ای و نقش اجتناب‌ناپذیرش در توسعه افراد و همچنین جامعه تأکید می‌کنند. سواد فرهنگی

1. E. D Hirsch



چشم‌اندازهای متفاوتی را از چگونگی تولید فرهنگ در جامعه و نقشی که مدارس باید در انتقال فرهنگ ایفا کنند، ارائه می‌دهد که با توجه به فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی کشور، ضروری است از این ظرفیت در افزایش آگاهی عمومی فرهنگی بهره گرفته شود.

در زمان حاضر در جامعه ما هیچ تعجبی ندارد که از کمبود سواد فرهنگی حتی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشگاهیان صحبت شود. در نظام آموزشی، جای آموزش عمومی یا به عبارت دقیق‌تر جای سواد فرهنگی خالی است. آموزش دانشگاهی‌ای که در جامعه ما ارائه می‌گردد عمدتاً تخصصی است و در برخی موارد میزان سواد فرهنگی شهروندان تحصیلکرده، بسیار ناچیز و ناپذیرفتنی است. در جامعه ما، به اهمیت و ضرورت سواد فرهنگی توجه کافی نشده است (محمد مخملچی، ۱۳۹۳). بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر است:

۱. مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی آن کدام‌اند؟
۳. نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟
۴. چه راهکارهایی می‌توان برای تحقق سواد فرهنگی به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور شد؟

### ۱. روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی-تحلیلی است و محقق با بررسی و مطالعه منابع و اسناد مکتوب مرتبط و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق برمی‌آید. پژوهش حاضر با توجه به منابع مطالعاتی، ماهیت موضوع، اهداف و پرسش‌های آن، از نوع تحقیق کیفی بوده، پژوهشی توصیفی-تحلیلی است و در آن، با بهره‌مندی از روش پژوهش توصیفی، به توصیف اهمیت و ماهیت سواد فرهنگی پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه هدف پژوهش تحلیلی عبارت است از «فهم و بهبود مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که بر حسب آنها تجربه‌ها تفسیر، مقاصد به‌وضوح بیان، مسائل ساخت‌بندی شده و پژوهش‌ها به اجرا درمی‌آیند» (شورت، ۱۳۸۸)، در این مقاله به توضیح مفاهیم مرتبط با نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی پرداخته می‌شود. ابزارهای اندازه‌گیری، عبارت‌اند از: فرم فیش‌برداری از اطلاعات و چک‌لیست محقق‌ساخته.

## ۲. مفهوم، اهمیت و ضرورت سواد فرهنگی

سواد فرهنگی عبارت است از مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌های فرهنگی‌ای که خوانشگران کارآمد متعلق به یک فرهنگ باید از آن برخوردار باشند. بدیهی است که برخورداری از چنین آگاهی‌هایی شرط لازم برای ورود به گفت‌وگویی منطقی با دیگران است. مثلاً صحبت کردن درباره فوتبال مستلزم داشتن اطلاعاتی درباره قواعد و مقررات فوتبال و تیم‌ها و بازیکنان معروف است. یا اگر صحبت از سیاست است، شناخت موضوعات روز و دیدگاه‌های مختلف درباره آن موضوعات برای ایجاد تعامل با دیگران بسیار سودمند خواهد بود. این تلقی از سواد فرهنگی را هرش در سال ۱۹۸۲ در امریکا مطرح ساخت. سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی، سواد سمعی و بصری زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید (رومیانی و ضیائیان، ۱۳۹۳). بدین ترتیب سواد فرهنگی به کارآمدی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود. سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن، یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی و سواد سمعی و بصری، زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید (جعفری و رئیس‌میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۳).

هرش، در کتاب معروفش، سواد فرهنگی را با یک جمله تعریف کرد: «هر آنچه یک انسان باید بداند». او مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات و توانمندی‌ها را که یک فرد برای بقا و رشد در عصر حاضر باید بداند تعریف کرد (هرش، ۱۹۸۲). این اطلاعات در حوزه‌های مختلفی همچون ادبیات، تاریخ، علم و فناوری، زبان‌های مختلف، فرهنگ‌ها، هنر، رسانه‌ها، سیاست و غیره قرار دارند (در واقع سواد فرهنگی، چندین سواد مختلف را در دل خود جای داده است). سواد فرهنگی به تعریف هرش به معنای دارا بودن آن اطلاعات پایه است که به منظور زنده ماندن در دنیای مدرن مورد نیاز است و تمام دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از ورزش گرفته تا علم دربرمی‌گیرد. این سواد در طبقه اجتماعی فرد محدود و محصور نمی‌شود، بلکه کاملاً برعکس آن است (گراف، ۱۹۸۹).

سواد فرهنگی توانایی درک و قدردانی نسبت به شباهت‌ها و تفاوت در آداب و رسوم، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگ خود و فرهنگ دیگران است (منطقه آزمایشگاه آموزشی شمال مرکزی، ۲۰۰۰). منظور از سواد فرهنگی، شناخت «میدان‌های» فرهنگی مختلف (به تعبیر بوردیو) یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. این شناخت، سواد خاصی را درباره «میدان»